



کتاب



رقابت بانک‌ها برای دور زدن مصوبات

گویا آقای بهمنی در آن زمان، موافقت ضمنی رئیس جمهور برای آزاد کردن نرخ سود سپرده‌ها را گرفته بود. تأکید می‌کنم نرخ سود سپرده‌ها و باید بین نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات تمایز قائل شد.

اکثریت در شورای پول و اعتبار معتقد بودند، اگر نرخ سود سپرده‌ها اصلاح شود، می‌توان نقدینگی و به دنبال آن بازار ارز را کنترل کرد. همچنین می‌گفتند: چنانچه برای نرخ سود تسهیلات و ارائه خدمات سقف تعیین کنیم، خود به خود برای سپرده‌ها هم سقف تعیین کرده‌ایم. چون نرخ سود سپرده‌ها نمی‌تواند از نرخ سود تسهیلات فراتر برود، اما از فردای همان روز همه دیدند که بین بانک‌ها برای افزایش نرخ سود سپرده‌ها چه رقابتی صورت گرفت که آن سرش ناپیدا بود. چون بانک مرکزی به دلایل مختلف از جمله همین عدم شفافیت‌ها، ابزار لازم برای نظارت بر سیستم بانکی کشور را ندارد. حالا اگر مقررات لازم را هم کنار بگذاریم، کار سخت‌تر می‌شود.

طبق قانون پولی بانکی، مسئول نظارت بر بانک‌ها، بانک مرکزی است لذا فرضی که می‌کردند، چون نرخ سود تسهیلات را در مصوبات قبلی شورا تعیین کرده‌اند پس می‌توانند نرخ سود سپرده‌ها را آزاد بگذارند، و غیرمستقیم نرخ سود سپرده‌ها را کنترل کنند، اشتباه بود. بانک‌ها سود سپرده‌ها را افزایش دادند، خب مشخص است که لاجرم سود تسهیلات را هم افزایش می‌دهند. این مشکل هنوز هم وجود دارد.

چاپ ریال با ارز خیالی در دولت روحانی

مقامات بانک مرکزی در دولت اول روحانی اعلام کردند که به دلیل نیاز بودجه به ریال، بانک مجبور شد در سال‌های ۹۲ تا ۹۴، ارزهای نفتی را روی کاغذ بخرد و ریال چاپ کند

شوند. سیاست ارزی زمان تحریم بانک مرکزی و انسداد درآمدهای ارزی نفت نمی‌توانست مشابه قبل از آن باشد.

● عملکرد بانک مرکزی در بحران ارزی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
این سؤال مانند این است که شما عملکرد نیروی نظامی را در شرایط جنگ و شرایط صلح با هم مقایسه کنید. حتی اگر شرایط آغاز دهه ۱۳۷۰ را با شرایط سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ مقایسه کنید، شرایط بانک مرکزی تا قبل از سال‌ها، با شرایط آن سال‌ها کاملاً متفاوت بود. باید شرایط بانک مرکزی را درک و سپس ارزیابی کنیم. آیا از ابتدای تاریخ تشکیل بانک مرکزی تا قبل از سال ۹۰، بانک مرکزی ایران تحریم شده بود؟ لذا با توجه به شرایط، باید در مورد عملکرد یک مجموعه اظهار نظر کرد. همین الان همکاران بانک مرکزی در دولت یازدهم که منتقد عملکرد بانک مرکزی در دولت‌های نهم و دهم بودند، نرخ رشد نقدینگی ثبت شده‌شان، حتی از سال ۹۱ هم بیشتر است. آنها در توجیه این نرخ رشد‌های وحشتناک و عجیب می‌گویند: چون در پایان سال‌های ۹۲، ۹۳ و ۹۴ برای بودجه به پول نیاز داشتیم، مجبور شدیم، ارزهای نفتی

نداشت که بانک مرکزی بتواند نرخ ارز را افزایش دهد، چون به بالا رفتن بیشتر پایه پولی منجر می‌شود. اما بعد از اینکه تکانه‌های ارزی پدید آمد، اینکه نرخ ارز باید به سمت بالا تعدیل شود، طرفدارانی داشت که من هم طرفدار این ایده بودم. البته این حرف به آن معنا نیست که ما تماماً قیمت ارز را گران کنیم. تا سال ۸۹، قیمت بازار آزاد و قیمت‌های رسمی یکسان بودند. بانک مرکزی هم کاملاً بر امور مسلط بود. آن موقع بانک مرکزی اگر می‌خواست نرخ ارز را بالا ببرد به این معنی بود که باید نرخ کمتری به بازار عرضه کند، اما هرگز چنین اتفاقی نیفتاد. البته تصریح کنم که همواره نرخ پرداخت‌های خارجی هم مثبت بود، نرخ تجاری غیرنفتی نیز همواره در حال بهبود بود و شکاف صادرات غیرنفتی با واردات هر سال کمتر و کمتر می‌شد. در سال ۹۰ و بویژه ۹۱ بانک مرکزی دیگر نمی‌توانست نرخ نفتی به گونه‌ای است که در بازار ارز جذب نمی‌شوند. لذا بخشی از این ارزها را بانک مرکزی تملک می‌کند و به همین دلیل خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی یا همان NFA افزایش پیدا کرده و پایه پولی بزرگ می‌شود. حال در چنین شرایطی، چنین سیاستی امکان

جدد نخست کتاب محرمانه‌های اقتصاد ایران حاوی گفت‌وگو با سیدشمس‌الدین حسینی، وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت‌های نهم و دهم است که به تحولات سال‌های فعالیت دولت محمود احمدی‌نژاد در بخش اقتصاد می‌پردازد. حسینی مباحثی را پیرامون حضور خود در وزارت اقتصاد، روابط دولت و مجلس و شیوه اتخاذ برخی تصمیمات بیان کرده است. در این شماره نیز در ادامه روزهای اخیر، مباحث بیشتر به موضوعات ارزی ارتباط دارد و اینکه جهش‌های نرخ ارز در آن مقطع زمانی چگونه شکل گرفت.

کتاب

● این مسأله واقعیت دارد که در برهه‌های دولت هرچقدر دلار در بازار وارد می‌گردد به فروش می‌رسید؟

بهبتر است جمله‌تان را اصلاح کنید. دولت هیچ وقت نه ارز می‌خرد و نه ارز می‌فروشد. اصل این قضیه که دولت در بازار ارز می‌فروخته است از اساس کذب است، بانک مرکزی عرضه‌کننده ارز است. می‌توان گفت: «در یک مقطعی از اقتصاد ایران، اقتصاد به سمت دلاری شدن در حال حرکت بود که با اقدامات انجام شده که رؤس اصلی آن در مصوبه آبان ماه ۱۳۹۱ ستاد تدابیر معرفی شده و با عملیاتی چون ایجاد مرکز مبادلات ارزی، اولویت‌بندی کالاها و... جلو این کار گرفته شد. در واقع اقتصاد ایران به مرحله‌ای رسید که بانک مرکزی احساس می‌کرد دیگر با آن مبادلات و مداخلات معمول در سیستم بانکی

نمی‌تواند بازار را کنترل کند. ضمن اینکه آقای بهمنی و همکارانش بشدت احتیاط می‌کردند که به شیوه‌هایی که در دهه ۷۰ مطرح و مرسوم بود گرفتار نشوند.

● در آن مقطع کسی در دولت طرفدار افزایش نرخ ارز بود؟ یادم هست در آن روزها آقای شیخ الاسلامی وزیر کار، در گفت‌وگو با یکی از خبرنگارهای گفته بود: «افزایش قیمت دلار به نفع تولید و اشتغال است.»

باید دو مسأله را از یکدیگر تفکیک کنیم. یکی اینکه در شرایط ثبات اقتصادی، افرادی در دولت بوده باشند که طرفدار افزایش نرخ ارز باشند. من چنین کسی را سراغ ندارم. دلیل حرفم این است که اگر امروز آمار اقتصاد ایران را بررسی کنیم، متوجه می‌شوید بعد از برنامه



همکاران بانک مرکزی در دولت یازدهم که منتقد عملکرد بانک مرکزی در دولت‌های نهم و دهم بودند، نرخ رشد نقدینگی ثبت شده‌شان، حتی از سال ۹۱ هم بیشتر است. آنها در توجیه این نرخ رشد‌های وحشتناک و عجیب می‌گویند: چون در پایان سال‌های ۹۲، ۹۳ و ۹۴ برای بودجه به پول نیاز داشتیم، مجبور شدیم، ارزهای نفتی دولت را روی کاغذ بخریم و به دولت ریال بدهیم. سؤال این است که «مگر مقامات قبلی بانک مرکزی در چنین تنگناها و شرایطی قرار نگرفته بودند.» این را از این باب می‌گویم که عده‌ای تحلیل کردند که علت رشد قیمت یا نرخ ارز در دوره قبل رشد نقدینگی بود نه تحریم، خوب حال که رشد نقدینگی با تغییر دولت هر سال بیشتر هم شده است